

طراحی مدل وجود افtrap و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

عیسی ملک‌پور^۱

جلیل توتونچی^۲

محمدعلی دهقان تفتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۶

چکیده

در اقتصاد متعارف، نرخ بهره نقش مهمی در تخصیص پول نقد در دسترس، بین وام گیرندگان و وام دهنده‌گان، بازی می‌کند. نرخ‌های بهره، همچنین، هسته ابزارهای مرسوم سیاست پولی، همچون نرخ تنزیل و عملیات بازار باز است. از طرفی، یک ویژگی کلیدی اقتصاد اسلامی، نبود پرداختی یا دریافتی هرگونه نرخ بهره از پیش تعیین شده (ثابت) است که به نام ربا شناخته می‌شود. در این صورت چه طور اقتصاد می‌تواند بدون نهاد متعارفی به نام بهره کار کند و چگونه بانک مرکزی می‌تواند به طور کارا ذخیره پول را در نبود ابزارهای سنتی کنترل کند. اقتصاد اسلامی به جای نرخ ثابت، فعالیت‌های خود را بر مبنای اصل تقسیم سود و زیان سازماندهی کنند. از این رو با توجه به اهمیت موضوع فوق در تحقیق حاضر به طراحی مدل وجود افtrap و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می‌شود. همچنین از نرم افزار آماری SPSS و Lisrel برای تحلیل آماری و استنتاج فرضیات این پژوهش استفاده می‌شود. تحقیق حاضر در سال ۱۴۰۰ انجام خواهد شد. جامعه آماری در این تحقیق شامل خبرگان حوزه اقتصاد و اقتصاد اسلامی می‌باشد که از روش نمونه‌گیری موارد خاص یا ویژه و در دسترس استفاده

۱ دانشجوی دکتری گروه علوم اقتصادی، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران.
Isa_malekpour@yahoo.com

۲ استادیار گروه اقتصاد، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران. (نویسنده مسئول)
totonchi@iauyazd.ac.ir

۳ استادیار گروه اقتصاد، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران.
dehghantafti@iauyazd.ac.ir

شده است. نهایتاً در این تحقیق وجوه افتراق و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی به صورت مجزا / ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها: وجوه افتراق - وجوه اشتراک - نظریه‌های پول و بهره - اقتصاد اسلامی
طبقه بندی JEL: F41، G12، E4

مقدمه

ماهیت و کارکرد پول و نقش بهره در این بین، یکی از مباحث مهم اقتصادی است که فصلی بزرگ را در تاریخ اندیشه‌ی اقتصادی به خود اختصاص داده است. از یک طرف، تحولات جدید در ابزارهای پرداخت همانند کارت‌های اعتباری و نقدی در کاهش تقاضا برای پول نقد در معاملات روزانه کمک کرده‌اند، در حالی که از طرف دیگر، فناوری‌های پرداخت مدرن و بانکداری الکترونیکی نیز در گسترش خدمات بانکی نقش بهسزایی داشته‌اند. بنابراین، درک ماهیت و کارکرد پول در اقتصاد در نوع سیستم پولی و نحوه مدیریت سیستم پولی اثری مهم دارد (زادو، ۲۰۱۷). پول در فعالیت‌های اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت دارای تأثیر و تأثیر است. از یک طرف، حتی در کوتاه مدت پول موجود و منشاء یک سلسله فعالیت‌های اقتصادی است و از طرف دیگر ارزش پول و سرعت گردش آن از شرایط و فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. در اقتصاد کلان دو گونه متغیر به چشم می‌خورد: یکی متغیرهای واقعی مانند سطح ستاده، اشتغال، دستمزد واقعی و نرخ‌بهره‌ی واقعی. دیگری متغیرهای پول مانند دستمزد اسمی (پول)، سطح قیمت‌ها و نرخ‌بهره‌ی اسمی (شاکری، ۱۳۹۰). کشورها جهت رسیدن به هدف‌های اقتصادی خود با توجه به وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، برنامه‌ی ویژه‌ای در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی اتخاذ می‌نمایند. بهمین دلیل سیاست‌های پولی را می‌توان تلاش در جهت کنترل حجم پول در راستای تحقق اهداف اقتصادی یا به حداقل رساندن خسارت‌های ناشی از وجود عملکرد نظام پولی تعریف نمود. از طرفی، سیاست‌های پولی و مالی به عنوان مؤثرترین سیاست‌های اقتصادی با تنظیم نرخ رشد نقدینگی، می‌توانند موجب حصول اشتغال کامل، تثبیت قیمت‌ها، ایجاد تعادل در موازنۀ پرداخت‌های خارجی و رشد اقتصادی شوند و زمینه‌ی مناسب و مطمئنی برای کارگزاران اقتصاد در امر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم آورند (ایزدی و دهمردۀ، ۱۳۹۱). اما پول، یکی از مفهوم‌های چالش برانگیز اقتصاد است و می‌توان تفسیرهای آن را به تعداد مکتب‌ها و محله‌های فکری اقتصاد، متکث و متعدد دانست.

اما در مطالعه‌های اقتصاد اسلامی برخی از محققان عنوان داشته‌اند که هر چیزی که به طور مستقیم، رفع کننده یکی از نیازهای مصرفی شناخته شده انسان و دارای ویژگی کمیابی نسبی باشد، کالای حقیقی است. وی عنوان میکند فقیهان پول اعتباری را مال و حامل ارزش تلقی میکنند اما عنوان کالا به آن اطلاق نمی‌شود. وی درباره پول و سرمایه بیان داشته است که پول ارزش مبادله‌ای محض اشیاء و قدرت خرید کل است؛ از این رو یک مال اعتباری است؛ در حالی که

^۱ Liuyan Zhao

سرمایه مال حقیقی است که در پیداساختن کالاها و خدمات نقش مستقیم دارد. بنابراین پول و سرمایه در ماهیت متفاوت هستند (نظری و همکاران، ۱۳۹۰). دادوی برای پول چهار تعریف ارائه میدهد:

۱. پول چیزی است که بیانگر مالیت مال و ویژگیهای شخصی آن از نظر عرف لغو شده باشد
۲. پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه‌های خصوصی و شخصی اموال است
۳. پول چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص باشد
۴. پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است.

وی بعد از این بیشتر به انواع مصدقه‌های پول میپردازد. توتونچیان پول را یک کالای عمومی معنا میکند. عیوضلو پول را کالای مشترک میداند. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی مصدقه‌های پول را از ماهیت پول تقسیک نکرده اند و احکام صادره برای پول را به جای ماهیت پول بر مصدقه‌های پول سوار کرده اند. موسایی ماهیت پول را با مصدقه‌های پول متراff دانسته (موسایی، ۱۳۸۹) و در همین باره عنوان می‌کند:

اکثر فتواهای فقیهان درباره احکام پول مربوط به درهم و دینار است ... تغییرهایی که چهارده قرن تاکنون در ماهیت و پشتونه پول اتفاق افتاده، باعث شده است که بتوانیم ادعا کنیم بسیاری از احکام مربوط به درهم و دینار بر پول‌های فعلی نمی‌تواند جاری باشد.

شهید صدر، در اینباره بیان میکند که احکام صرف در فقه اسلامی با دگرگونی پول از نوعی به نوعی دیگر تغییر میکند (صدر، ۱۹۹۴). وی در جای دیگر مینویسد که پول‌های کاغذی مال مثلی است. شاهروdi اگرچه ارزش و توان خرید پول را همه هستی و اساس پول میداند و ارزش آن را به جنس حقیقی اش وابسته نمیداند اما با این نظر که پول، مال مثلی است موافق میباشد. بجنوردی تمام حقیقت اسکناس را قدرت خرید و قدرت توانایی رفع احتیاجات میداند و در عین حال برای اسکناس مالیت قائل است اما مالیت و ارزش اسکناس را مستقل از دارنده اش میداند. یوسفی مینویسد که پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای، مثلی است. در جای دیگری بیان میکند گفتاری که بتواند تا حد قابل قبولی پول را آشکار کند، عبارت است از اینکه پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیئی غیرفیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است شمرده میشود. وی به حقیقت و ماهیت پول نمیپردازند بلکه مصدقه‌های پول مانند چک، پول اعتباری و پول را الکترونیکی مورد بحث قرار میدهد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۸).

با دقت در ادبیات موضوعی مطرح شده در فوق ملاحظه می‌شود که در تعریف پول در بین محققان نظام اقتصادی وفاق نیست؛ اگرچه در بین پژوهشگران نظام سرمایه داری عنوان شده است که اگر پول فقط به عنوان وسیله مبادله باشد بهره به آن تعلق نمی‌گیرد اما همچنان مؤلفه پول در

ادبیات اقتصادی این نظام به صورت دارایی، کالا یا سرمایه به کار میروند که در بین اقتصاددانان و نظریه پردازان مسلمان موضوعیت این ادبیات نیز وجود دارد. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع پول و بهره و تاثیر آن بر اقتصاد به خصوص در اقتصاد ایران، این پژوهش به تحلیل و بررسی مقایسه تطبیقی نظریه های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی خواهد پرداخت. در این رساله سعی بر این است تا از طریق مقایسه تطبیقی نظریه های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی، با روش توصیفی تحلیلی، نقاط افتراق و اشتراک این نظریه ها به تصویر کشیده شود.

۱- ادبیات پژوهش

برخی از اقتصاددانان بر این باور هستند که علت عدم آسیب اقتصاد اسلامی، به علت نبود تعامل اقتصادی با دنیاست اما اقتصاددانان مسلمان این ادعا را نپذیرفتند؛ زیرا کشورهای اسلامی به علت برخورداری از بیشترین ذخایر و منابع ارزشمند انرژی، عضوی از اقتصاد جهانی شمرده شده و در تعامل های اقتصادی جهان حضوری فعال داشته اند؛ با این وجود از بحران اخیر کمترین آسیب را دیده اند. اصلی ترین مسئله در نظام اقتصاد اسلامی که آن را از دیگر نظام های بانکی متمایز کرده، دیدگاه این نظام ممنوعیت ربا و محدودیت سفته بازی در چارچوب احکام و قوانین شریعت است. همین مسئله سبب شده تا دیگر شاهد بحران هایی که نظام اقتصاد متعارف به صورت فزاینده با آن رویه رو است، نباشیم. برخی از عقده های اسلامی مانند اجاره به شرط تمليک، فروش اقساطی و تنزيل نرخ بازده ثابت دارند که براساس ارزیابی کالاهای مورد معامله و انتظارهای طرفین تعیین می شوند. برخی دیگر از عقدها مانند مضاربه و مشارکت براساس سهم از پیش تعیین شده منعقد می شوند؛ بنابراین سود ثابت ندارند. در تحلیل قیمت گذاری دارایی های مالی و سرمایه نقدی می توان به جمع بندی زیر دست یافت:

۱. تعیین نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تضمین شده است ربا تلقی می شود و هیچگونه بازدهی به آن تعلق نمی گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می شود و حرام است.

۲. دارنده مال انتظار دارد در ازای منابعی که سرمایه گذاری می کند و این سرمایه گذاری زمانبر است بازگشت حقیقی عادلانه ای را در آینده دریافت کند.

مدلهای تعادل عمومی پویای تصادفی به رغم پیشینه غنی در ادبیات کلاسیک و نوی اقتصادی، اخیراً مورد علاقه اقتصاددانان اسلامی هم قرار گرفته اند. از آنجا که یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی کمک به افراد دارای مهارت و فاقد منابع مالی است که چنین هدفی در سیستم متعارف دنیا نمی شود، در اصول اقتصاد اسلامی اعتقاد بر این است که همگمی اقتصاد و ارزش های

اخلاقی نتایج بزرگی همچون تورم و بیکاری کمتر را به همراه دارد. به علاوه، در نظام بانکداری اسلامی تمام عملیات بانکی بر مبنای بخش واقعی اقتصاد پایه ریزی شده است و دارایی‌های مالی یا وجود سرمایه‌گذاری، همانند پول نقد، زمانی عایدی خواهد داشت که براساس عقدهای شرعی اسلامی در فعالیت مشروع اقتصادی به کار گرفته شوند. در این صورت، پول را از کanal سفته بازی به بخش واقعی هدایت می‌کند. در این صورت باعث کاهش شکاف تولید و تورم می‌شود.

یکسان انگاشتن بهره ناشی از اقتصاد اسلامی و بهره تئوری‌های اقتصادی ناشی از اشتباه در ارزیابی مفاهیم یا به اصطلاح خلط معرفت‌شناختی (پیستمولوژیک) است. بهره تئوری‌های اقتصادی یا بهره سرمایه، با گسترش روابط اقتصاد بازار رقابتی و نجف گرفتن سیستم اعتباری جدید پدیدار شد، و در واقع نشان‌دهنده کمیابی سرمایه در یک اقتصاد بازار رقابتی است، در حالی که بهره غیر اسلامی پدیداری مربوط به اقتصاد معیشتی و ایستاست که در آن پول نقش حاشیه‌ای و بسیار اندکی در زندگی اقتصادی عموم افراد دارد، و دارندگان پول (وام‌دهندگان ربوی) از موقعیتی انحصاری برخوردارند و بهره کم و بیش یک قیمت انحصاری است که تعیین سطح آن بیشتر در اختیار دارندگان اندوخته پولی است. از لحاظ اقتصادی، سرمایه، که ریشه در پس‌انداز دارد، وسیله‌ای برای بالا بردن توان تولیدی است. پس‌انداز به معنی امساك از مصرف آنی است که می‌تواند منشا شکل گرفتن سرمایه باشد. مصرف، به عنوان هدف نهایی تولید، عبارت است از برآورده کردن نیازها یا خواسته‌های بشری. واضح است که از تعاریف فوق نباید این استنباط را کرد که سرمایه تنها وسیله افزایش توانایی تولیدی است، یا این که هرگونه امساك از مصرف (پس‌انداز) ناگزیر به تشکیل سرمایه منجر می‌گردد. پس‌انداز زمانی به سرمایه تبدیل می‌شود که هدف نهایی آن در جهت فعالیت‌های تولیدی باشد. همان طور که پس‌اندازهای مدفون در خاک را نمی‌توان سرمایه تلقی نمود، اندوخته‌هایی که صرفاً به منظورهای مصرفی وام داده می‌شوند نیز مشمول تعریف سرمایه به مفهوم اقتصادی آن نمی‌باشند. هرچه تقسیم کار پیشرفته‌تر شده و تولید تخصصی‌تر گردد، نیاز به وسائل تولیدی یعنی تقاضا برای سرمایه بیشتر خواهد شد. بنابراین، در یک اقتصاد معیشتی بسته، مانند اقتصاد جوامع روستایی یا عشايری خودکفا، که تولیدکنندگان علاوه بر تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز خود، ابزار ابتدایی تولیدشان را نیز خود تولید می‌کنند، تقاضا برای سرمایه و به طریق اولی بازار سرمایه عملأ وجود ندارد. در چنین جوامعی که بازدهی تولید در سطح بسیار پایینی قرار دارد، امکان پس‌انداز نیز بسیار اندک است، و در نتیجه امکان تشکیل سرمایه نیز فوق العاده محدود می‌باشد. به رغم این که در جوامع پیش از سرمایه‌داری، روابط پولی و تجارت، به درجات مختلف، کم و بیش وجود داشته، اما این روابط اغلب در حاشیه فعالیت‌های اصلی تولیدی قرار داشتند. از این رو اندوخته‌های پولی ناشی از تجارت در این جوامع شباهت

چندانی به انباشت سرمایه در جوامع مدرن، با توجه به نقش مهم آن در نظام اقتصادی جدید، ندارد. صاحبان اندوخته پولی در جوامع مزبور، از موقعیتی انحصاری و حتی می‌توان گفت استثنایی برخوردار بودند و بدین لحاظ می‌توانستند در قبال وام‌هایی که می‌دادند، نرخهای بهره بسیار بالایی مطالبه کنند. با این که این نرخ‌های بالا را می‌توان نشانه کمیابی اندوخته‌های پولی دانست، اما آنها را نمی‌توان دال بر بازدهی نهایی بالای سرمایه تلقی نمود. زیرا همان طور که اشاره شد در این جوامع تقاضا و بازار برای سرمایه، به مفهوم اقتصادی آن، اساساً وجود نداشت. به عبارت دیگر، آن کارکرد اقتصادی و اجتماعی مهمی را که سرمایه در نظامهای اقتصادی جدید دارد، اندوخته‌های پولی در دنیای قدیم عمل نداشتند. شاید علت این که فیلسفه ای از باستان بهره را محکوم می‌کردند در همین نکته نهفته باشد؛ یعنی هیچ توجیه عقلانی، از جهت‌سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی برای آن پیدا نمی‌کردند، در حالی که نتایج زیان‌بخش آن به صورت سنتی که بر وام‌گیرندگان می‌رفت، برایشان آشکارا قابل مشاهده بود (ایستوان و همکاران، ۲۰۲۰).

۲- پیشینه تحقیق

کمیجانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی "ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها"، پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که رویداد بحران مالی سال ۲۰۰۸، توجه اقتصاددانان و بانک‌های مرکزی را به کاستی‌های دیدگاه‌های رایج درباره ماهیت بانک و نقش آن در اقتصاد جلب کرد. از آنجا که لازمه هر گونه مقررات گذاری احتیاطی برای بانک‌ها، مدل سازی اقتصاد کلان شامل بخش مالی، و سیاست گذاری پولی و مالی سازگار، تحلیل درست از ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی است، این مقاله به روش تحلیلی توصیفی رویکردهای سه گانه درباره آن را بررسی می‌کند؛ از این‌رو پس از ارایه تصویری از دیدگاه‌های رایج در این باره دیدگاه واسطه گری مالی و دیدگاه ضریب فراینده، هریک از این دیدگاه‌ها براساس مبانی اقتصاد پولی و اصول حسابداری نقد می‌شوند. همچنین، دیدگاه درست و کامل تر درباره ماهیت بانک (دیدگاه خلق پول انفرادی بانک)، با استناد به آرای اقتصاددانان و بانک‌های مرکزی پیش رو تبیین خواهد شد. تحلیل استدلال‌های موافق دیدگاه‌های واسطه گری مالی و ضریب فراینده، نشان میدهد که ریشه‌های مهم فهم نادرست ماهیت بانک عبارت اند از: برداشت کالایی نسبت به پول، مغالطه ترکیب و خلط مباحث خرد و کلان، بی توجهی به اصول حسابداری دوطرفه، عدم تفکیک ترازنامه بانک مرکزی و بانک‌ها، و عدم توجه به اقتضایات سیاست هدف گذاری نرخ بهره توسط بانک مرکزی. براساس این، اصولی که رعایت آنها برای تحلیل درست بانک

در اقتصاد کلان ضروری است، معرفی و برخی دلالتهای دیدگاه خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی، سیاست گذاری پولی، مقررات گذاری بانکی و مدل سازی اقتصاد کلان تشریح می‌شود. جمشیدی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی "بانکداری اسلامی بدون ربا موانع چالش‌ها"، پرداخته است. وی بیان داشته است که بانکداری اسلامی نوعی بانکداری یا فعالیت بانکی است که با احکام اسلام (به ویژه از دیدربا رباخواری) همخوانی دارد در قالب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود. بانک نهادی حقوقی است که عملیات‌های پولی، مالیو اعتباری را بر عهده دارد. بانکداری نیز عبارت است از ارایه خدمات عملیات بانکی مانند: امانت داری؛ نقلو انتقال پول، سرمایه اوراق بهادر اشخاص حقیقی حقوقی به کارگیری آن؛ وصول مطالبات اسنادی؛ صدوربروات حواله‌های تجاری؛ اعطاء توزیع اعتبارات وام به اشخاص حقیقی حقوقی؛ تامین اعتبار در جهتوسعه بازارگانی، کشاورزی صنعت؛ خرید فروش فلزات قیمتی ارز؛ انتشار اسکناس اوراق بهادر تنظیم حجم پول در گردش؛ اجرای سیاست پولی کنترل حجم اعتبارات. حال اگر بخواهیم این خدمات وفعالیتها را طبق قوانین اسلام مدیریت اجرا کنیم، بانکداری اسلامی پدید می‌آید. لفظی که مفهومی نسبی را بیان می‌کند: هرچه بانکداری به نظرات اسلام نزدیکتر باشد، بیشتر اسلامی است. پس اتصاف بانک به صفت اسلامی بانکدار را ملزم می‌کند تا علاوه بر رعایت قوانین اسلامی در فعالیت‌ها خدمات مانند اجتناب از ربا یا توزیع اعتبارات به کارگیری سرمایه در موضوعات حرام مانند تولید فروش هرگونه جنس حرام؛ در نهایت، هدف عالی اتمام مکارم اخلاق را نیز دنبال کند.

سبحانی و قائمی نیا (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی "پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره)"، پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که پول، یکی از مفهوم‌های چالش برانگیز اقتصاد است و می‌توان تفسیرهای آن را به تعداد مكتب‌ها و محله‌های فکری اقتصاد، متکثر و متنوع دانست. در تحقیق پیش رو در پی فهم پول نه از دید فقهی بلکه از نگاه فلسفی هستیم. پرسش اصلی تحقیق حقیقت شناسی پول از رهگذر فلسفی است. فرضیه تحقیق به تبعیت از بحث اعتباریات علامه؛ عبارت از این است که «پول مفهومی اعتباری می‌باشد». تلقی اعتباری از پول دلالت‌های قابل توجهی برای اقتصاد اسلامی دارد که در مقاله پیش رو آنها را تبیین کرده‌ایم. پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد، بنابراین کالا نیست. همچنین پول تابع احتیاج‌های حیاتی و عامل‌های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند، در نتیجه تنوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است و پول در هر شکلی، فقط به ازای نفس الامر حقیقی خود باید پدید آید. همچنین پول نسبی، موقعت و غیرضروری است.

آبل و لہمان^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی "تئوری‌های پول و نرخ بهره"، پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که منشأ بیشتر نظریه‌های جریانات اصلی در مورد نرخ بهره به ایروینگ فیشر برمی‌گردد. تصور فیشر مبنی بر نرخ واقعی تعادل و نرخ بهره طبیعی و مفاهیم مربوط به نرخ "طبیعی" یا "خنثی" برای هدف گذاری تورم ضروری است. اعتقاد بر این است که این فرضیه، اعتقاد گسترده و با اطمینان را نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی باید بر انتظارات تورمی متتمرکز شوند تا نرخ بهره واقعی در سطح پایدار برای ارتقاء پس انداز و سرمایه‌گذاری حفظ شود. در این تحقیق استدلال می‌شود که چندین مشکل با این رویکرد وجود دارد، که متکی بر اصول "تحلیل واقعی" است و نه "رویکرد پولی" که در آثار شومپیر و کینز منعکس شده است. نظریه پولی پس از کینزی چارچوبی را ارائه می‌دهد که با روش‌های بانک مرکزی تأیید شده است. در این تحقیق از تجربه بانک مرکزی مجارستان به دنبال بحران مالی جهانی که ممکن است نکاتی را برای استفاده مجدد از سیاست‌های پولی معاصر و نظریه‌های مرتبط با آن فراهم کند، استفاده می‌شود.

بونفینگر و ریس^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی مازاد پس انداز و نرخ بهره پایین: ارزیابی تئوری‌ها و شواهد درمورد بحران جهانی، پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که یک اجماع گسترده وجود دارد که کاهش جهانی نرخ بهره واقعی را می‌توان با تمایل بالاتر برای پس انداز، مهمتر از همه به دلایل جمعیت شناختی توضیح داد. این تئوری استدلال می‌کند که این دیدگاه به یک نظریه مالی کالا متکی است که برای تجزیه و تحلیل پدیده‌های دنیای واقعی ناکافی است. در یک نظریه مالی پولی، پس انداز خانوار بودجه برای سرمایه‌گذاری آزاد نمی‌کند، بلکه صرفاً وجود موجود را مجدد توزیع می‌کند. علاوه بر این، این ستون نشان می‌دهد که در سطح جهانی، نرخ ناخالص پس انداز خانوار از دهه ۱۹۸۰ و همچنین نرخ پس انداز خالص کاهش یافته است.

فونتانا^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی "نقش پول و نرخ بهره در تئوری سیاست‌های پولی: تلاش‌ها و دیدگاه‌ها"، پرداخته است. با هدف ترسیم کار اقتصاددانان تأثیرگذار پولی در طی قرون گذشته، هدف این مقاله ارائه تحولات اخیر در تئوری و شواهد سیاست پولی و ارزیابی این احتمال است که با توجه به بحران مالی اخیر و رکود بزرگ، تحولات بعدی در این رابطه به چه صورت می‌باشد. بر همین اساس، بر جسته کردن ماهیت پیچیده و نقش بانک‌ها و بازارهای مالی در اقتصادهای مدرن ارائه شده است.

۳- روش تحقیق

^۱ Istvan Abel and Kristof Lehmann

^۲ Peter Bofinger, Mathias Ries

^۳ Giuseppe Fontana

این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می‌شود. همچنین در این پژوهش از روش گردآوری کتابخانه‌ای یا اسنادی اطلاعات استفاده شده است. در این گروه تحقیقات، محقق ادبیات و سوابق مسأله و موضوع تحقیق را مطالعه می‌کند و در ادامه نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب شامل فیش، جدول و فرم ثبت و نرم‌افزارهای ثبت داده نگهداری می‌کند و در پایان به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آن‌ها اقدام می‌نماید. همچنین از نرم افزار آماری SPSS و Lisrel برای تحلیل آماری و استنتاج فرضیات این پژوهش استفاده می‌شود. تحقیق حاضر در سال ۱۴۰۰ انجام خواهد شد.

جامعه آماری در این تحقیق شامل خبرگان حوزه اقتصاد و اقتصاد اسلامی می‌باشد که از روش نمونه‌گیری موارد خاص یا ویژه و در دسترس استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

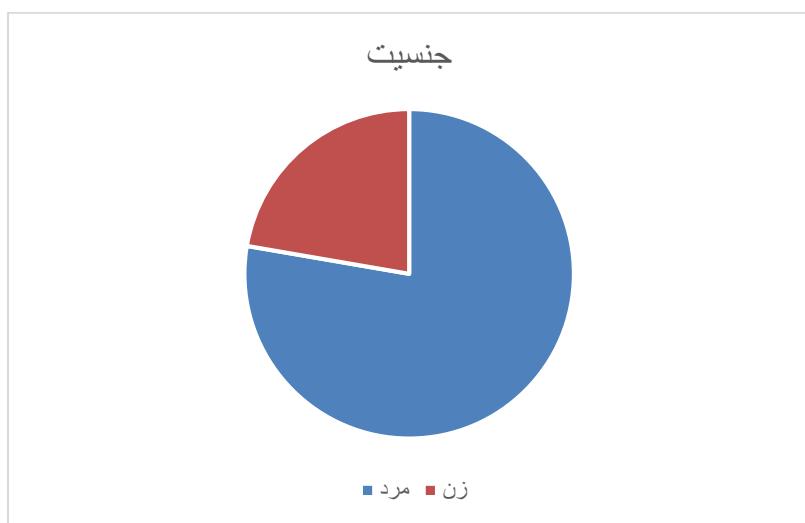
۴-۱- آمار توصیفی

۴-۱-۱- جنسیت

جدول ۱: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت

درصد	فراوانی	جنسیت
۷۸	۱۲۹	مرد
۲۲	۳۷	زن
۱۰۰	۱۶۶	جمع

منابع: یافته‌های پژوهش



نمودار (۱-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

منابع: یافته های پژوهش

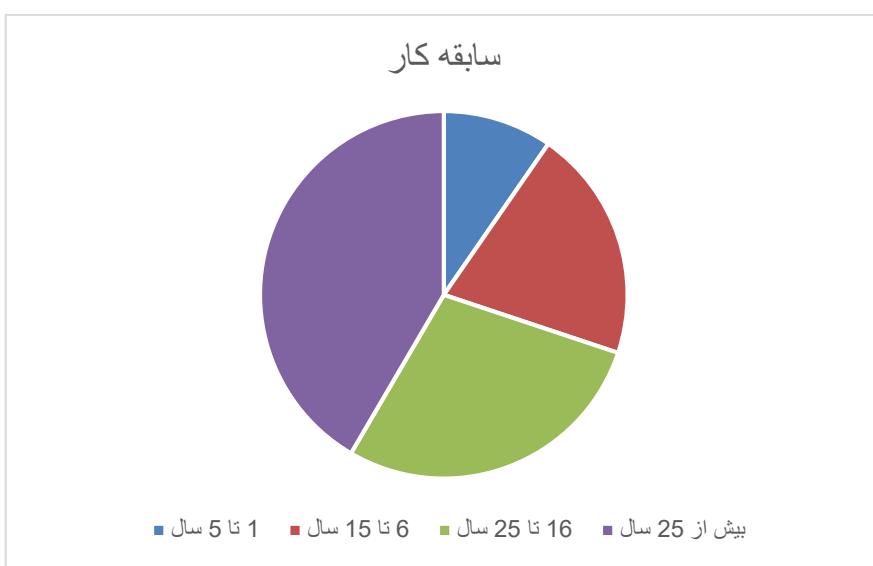
۴-۱-۲- س سابقه خدمت

جدول زیرسابقه کاری افراد نمونه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول نمایان است، افراد با سابقه کاری بین ۶ تا ۱۵ سال بیشترین و افراد با سابقه کاری ۱ تا ۵ کمترین درصد را در جامعه دارند.

جدول ۲ توزیع پاسخگویان بر حسب سابقه کار

درصد	فراوانی	سابقه کار
۱۰	۱۶	۱ تا ۵ سال
۲۰	۳۴	۶ تا ۱۵ سال
۲۸	۴۷	۱۶ تا ۲۵ سال
۴۲	۶۹	بیش از ۲۵ سال
۱۰۰	۱۶۶	جمع

منابع: یافته های پژوهش



نمودار(۲-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب سابقه کاری

منابع: یافته های پژوهش

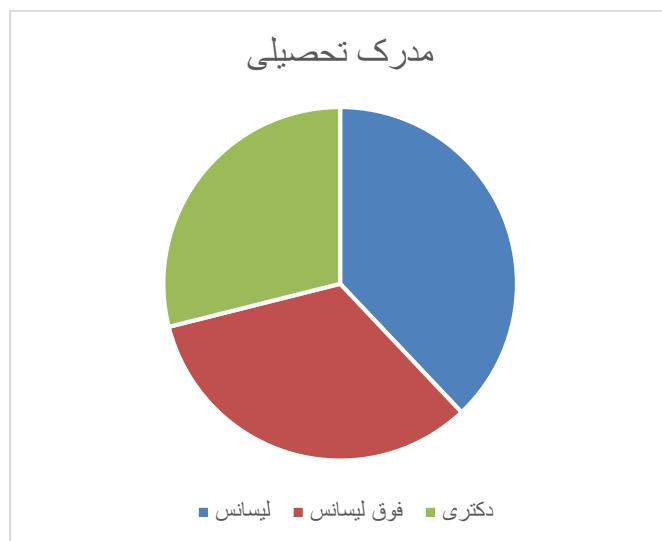
۴-۱-۳-میزان تحصیلات

همان‌گونه که در جدول زیر قابل مشاهده است، بیشترین تعداد مشاهدات مربوط به افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده و کمترین تعداد مشاهدات مربوط به افراد دارای مدرک دکتری است.

جدول ۳ توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد	فراوانی	مدرک تحصیلی
۳۸	۶۳	لیسانس
۳۳	۵۵	فوق لیسانس
۲۹	۴۸	دکتری
۱۰۰	۱۶۶	جمع

منابع: یافته های پژوهش



نمودار (۳-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

منابع: یافته های پژوهش

۴-۲-نتایج روش دلفی

در روش دلفی پرسشگری در دو دور یا بیشتر انجام میشود و در هر دور از نتایج به دست آمده از دور یا دورهای قبل استفاده میشود. بنابراین، از دور دوم، متخصصان و کارشناسان تحت تأثیر نظریات و عقاید همترازان خود و نتایج به دست آمده از دور قبل به سوالات پاسخ میدهند. تکنیک دلفی یک فرآیند قوی مبتنی بر ساختار ارتباط گروهی است که با استفاده از پرسش نامه اطلاعات مورد نظر را تجزیه و تحلیل میکند. بدین منظور نظرها و قضاوت های افراد در یک حیطه معین جمع آوری میشوند.

ساختار اولیه پرسشنامه جهت ارسال از طریق پست الکترونیک، یک فایل صفحه گسترده است. که به صورت هوشمند نسبت به پاسخ های ارائه شده از سوی پاسخ دهنده ها و اکنش نشان می دهد و در ازای انتخاب هر گزینه، پاسخ متناسبی را برای آن نمایش می دهد. هم چنین این پرسشنامه الکترونیک، در صورت عدم تکمیل بخش هایی از پرسشنامه، اقدام به نمایش پیغام خطای نماید. پژوهش حاضر، از روش دلفی بهره میبرد، که در آن با هدف گردش غیر مستقیم دانسته ها و اطلاعات در میان کارشناسان، نظرات پاسخ دهنده ها در هر دور، به صورت ناشناس و کلی در دور بعد در اختیار آنان قرار میگیرد، تا چنان چه این نظرات مورد تائید آنها بوده، اظهار نظر اولیه خود

را تعديل نمایند تا بتوان به اجماع بیشتری درخصوص عوامل اثربار بر مدل دست یافت. هم چنین پرسشنامه در دور اول به روش نیمه باز طراحی گردید تا امکان اظهار نظر پیرامون دسته بندی عوامل و افزودن عوامل جدید برای پاسخ دهنده‌گان میسر باشد.

جدول ۴: خلاصه مراحل مختلف توزیع پرسشنامه و نتیجه هر مرحله

پرسشنامه	تعداد شاخص	تعداد	پاسخ دهنده‌گان	هدف از ارسال	نتیجه
اول	۲۰ شاخص	۳۰	خبرگان	حذف، ترکیب و تعديل شاخص	دسته بندی، تعديل و تلخیص عوامل به ۱۸ عامل
دوم	۱۸ شاخص	۳۰	خبرگان	تعديل و اولویت‌بندی شاخص و دسته بندی آن‌ها	انجام اصلاحات جزئی در شرح برخی شاخص‌ها
سوم	۱۸ شاخص	۳۰	خبرگان	بررسی مجدد شاخص‌ها جهت تایید نهایی	شكل‌گیری پرسشنامه
چهارم	۱۸ شاخص	۱۶۶	نمونه آماری	تعیین اهمیت عوامل و اظهارنظر پیرامون دسته بندی عوامل	آزمون فرضیات

منابع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق به صورت مختصر مراحل مختلف توزیع پرسشنامه و نتیجه هر مرحله ارائه شده است. در مرحله اول پرسشنامه‌ای با ۲۰ شاخص به خبرگان ارائه شده است که هدف از این مرحله حذف، ترکیب و تعديل شاخص‌ها می‌باشد که در نهایت به ۱۸ شاخص رسیده است. در مرحله دوم و سوم جهت تعديل و اولویت‌بندی شاخص و دسته بندی آن‌ها پرسشنامه توزیع گردیده است و در مرحله آخر پس از استخراج پرسشنامه نهایی آن را در میان نمونه آماری توزیع شده است. در این پژوهش، روش دلفی در مجموع در ۳ دور به انجام رسید که در این بخش یافته‌های حاصل از هر دور به تفکیک ارائه می‌شود.

۴-۱-نتایج دور اول روش دلفی

پرسشنامه دور اول دلفی که شامل دو بخش است، که به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحويل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها از هفتۀ بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد.

جدول ۵: نتایج دور اول روش دلفی: درباره وجود اشتراک و افتراء نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی - دور اول دلفی

ترتیب اهمیت	کدال	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
۱- وجود افتراء					
5	2.28	0.611	4.29	30	نحوه اثرگذاری بر تولید ناخالص ملی
2	2.19	0.702	4.15	30	اصل مشارکت
9	2.45	0.721	4.42	30	اعتماد به دولت
6	2.32	0.641	4.31	30	ریسک نکول اعتبارات
10	2.47	0.628	4.43	30	هزینه قراردادها
1	2.14	0.726	4.09	30	بهره وری سرمایه
4	2.23	0.809	4.26	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.21	0.543	4.23	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.42	0.552	4.39	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.35	0.774	4.33	30	نرخ بیکاری
۲- وجود اشتراک					
10	2.47	0.523	4.44	30	جلوگیری از رکود اقتصادی
2	2.18	0.662	4.09	30	تعدیل نوسانات تورم
5	2.31	0.767	4.21	30	تعدیل نرخ ارز
9	2.44	0.843	4.36	30	جلوگیری از کاهش ارزش بول
1	2.16	0.726	4.02	30	رجحان زمانی و زمان به کارگیری سرمایه
3	2.22	0.893	4.15	30	تعدیل نقدینگی
7	2.38	0.716	4.29	30	تعدیل نرخ ذخیره قانونی
8	2.42	0.839	4.33	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعديل

					شکاف بین تقاضای سرمایه‌گذاری و عرضه پس انداز
6	2.36	0.842	4.26	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.28	0.747	4.19	30	تاكید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق شاخص‌های نهایی تحقیق که در قالب پرسشنامه نهایی طراحی گردیده است جهت ارزیابی برای خبرگان ارسال گردیده و خلاصه نظر خبرگان در جدول فوق گزارش شده است. با توجه به شاخص کنдал می‌توان شاخص‌های مورد نظر را رتبه بندی نمود. با توجه به شاخص کنдал، هرچه قدر شاخص کندل برای معیارهای مختلف پایین‌تر باشد، میزان اهمیت این معیار در مدل نهایی بالاتر بوده و در رتبه بهتری در معیارهای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مرحله شاخص‌هایی که در رتبه بالاتر قرار می‌گیرند حذف می‌گردد.

۴-۲-۲-نتایج دور دوم روش دلفی

یکی از اصلی‌ترین اهداف استفاده از روش دلفی حذف معیارهای مازاد می‌باشد بدین معنا که معیارهای ارائه شده تلخیص می‌گردد تا به مدل نهایی برسی. در این مرحله بعد از حذف شاخص‌های مازاد در مرحله قبل دلفی که با توجه به نظر خبرگان صورت گرفته است، مجدداً پرسشنامه برای تایید اولیه برای خبرگان ارسال شده است. پرسشنامه دور دوم به صورت حضوری و از طریق ایمیل به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحويل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها چهار روز بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی و یک بار از طریق ایمیل تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد. پرسشنامه دور دوم نیز شامل دو بخش بوده است، بخش نظر سنجی و بخش وجود اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی که شرکت‌کنندگان در دور اول به عنوان وجود اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی مطرح کرده بودند. در این بخش، پاسخگو باید نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از آنها بر عوامل، با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد. این گزینه‌ها در قالب طیف لیکرت و شامل «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴»، و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» ارائه گردید.

جدول ۶: نتایج دور دوم روش دلفی: درباره وجود اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی پس از حذف شاخص‌های با میانگین پایین – دور دوم دلفی

ترتیب اهمیت	کن达尔	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
۱- وجود افتراق					
5	2.13	0.633	4.19	30	نحوه اثرباری بر تولید ناخالص ملی
2	2.06	0.716	4.06	30	اصل مشارکت
9	2.25	0.641	4.36	30	اعتماد به دولت
6	2.17	0.617	4.28	30	ریسک نکول اعتبارات
1	2.01	0.705	4.02	30	بهره وری سرمایه
4	2.11	0.795	4.17	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.09	0.641	4.12	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.22	0.498	4.34	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.21	0.883	4.30	30	نرخ بیکاری
۲- وجود اشتراک					
2	2.25	0.664	4.03	30	تعديل نوسانات تورم
5	2.38	0.592	4.18	30	تعديل نرخ ارز
9	2.47	0.743	4.29	30	جلوگیری از کاهش ارزش پول
1	2.24	0.692	4.01	30	رجحان زمانی و زمان به کارگیری سرمایه
3	2.31	0.729	4.11	30	تعديل نقدینگی
7	2.42	0.833	4.28	30	تعديل نرخ ذخیره قانونی
8	2.45	0.748	4.29	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعديل شکاف بین تقاضای سرمایه گذاری و عرضه پس انداز
6	2.40	0.658	4.23	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.33	0.531	4.16	30	تاكید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته‌های پژوهش

۴-۳-۲-۳- نتایج دور سوم روش دلفی

در این مرحله نیز جهت تایید مدل و معیارهای تایید شده توسط خبرگان پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است. پرسشنامه دور سوم به صورت حضوری واژ طریق ایمیل به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحويل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها چهار روز بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی و یک بار از طریق ایمیل تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد. پرسشنامه دور سوم نیز شامل دو بخش بوده است، بخش نظرسنجی و بخش وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی که شرکت‌کنندگان در دور اول به عنوان وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی مطرح کرده بودند. در این بخش، پاسخگو باید نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از آنها، با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد. این گزینه‌ها در قالب طیف لیکرت و شامل «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴»، و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» ارائه گردید.

درجول ۷- نتایج دور سوم روش دلفی شامل مواردی مانند تعداد پاسخها برای هر گویه، میانگین پاسخها، انحراف معیار آنها، عدد کنال، ترتیب اهمیت هر عامل بر اساس میانگین پاسخها و درصد اعضاًی که ترتیب هر عامل را مانند ترتیب گروه تعیین کرده‌اند، درج شده است.

جدول ۷: نتایج دور سوم روش دلفی: درباره وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی – دور سوم دلفی

ترتیب اهمیت	کنال	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
-					وجوه افتراق
5	2.16	0.636	4.19	30	نحوه اثرگذاری بر تولید ناخالص ملی
2	2.09	0.745	4.06	30	اصل مشارکت
9	2.29	0.662	4.38	30	اعتماد به دولت
6	2.19	0.696	4.25	30	ریسک نکول اعتبارات
1	2.03	0.729	4.03	30	بهره وری سرمایه
4	2.14	0.795	4.14	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.11	0.641	4.11	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.25	0.498	4.36	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.22	0.883	4.29	30	نرخ بیکاری

۲- وجوه اشتراک					
2	2.19	0.462	4.06	30	تعديل نوسانات تورم
5	2.34	0.415	4.15	30	تعديل نرخ ارز
9	2.46	0.394	4.32	30	جلوگیری از کاهش ارزش پول
1	2.16	0.472	4.03	30	رجحان زمانی و زمان به کارگیری سرمایه
3	2.22	0.395	4.11	30	تعديل نقدینگی
7	2.39	0.349	4.28	30	تعديل نرخ ذخیره قانونی
8	2.42	0.415	4.29	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعديل شکاف بین تقاضای سرمایه‌گذاری و عرضه پس انداز
6	2.36	0.328	4.23	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.28	0.432	4.09	30	تاكید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول بالا همانگونه که ملاحظه می‌شود نتایج دور دوم و سوم دلفی با هم کاملا مشابه بوده و دیگر به احتیاج به انجام دور جدید نمی‌باشد.

۵-نتیجه‌گیری

اقتصاددان‌های کلاسیک معتقدند، نرخ بهره تحت تأثیر نیروهای بازار در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که میزان سرمایه‌گذاری به آن نرخ، با میزان پس‌انداز به همان نرخ برابر می‌شود. به اعتقاد آنها نرخ بهره توسط عرضه پس‌انداز و تقاضا برای سرمایه‌گذاری مشخص می‌شود. تقاضا برای سرمایه‌گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. زمانی که نرخ بهره بالا رود، در شرایط برابر، مقدار مورد تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و بالعکس، با کاهش نرخ بهره مقدار مزبور افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر فرض می‌شود که پس‌انداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ یعنی با افزایش نرخ بهره حجم پس‌انداز افزایش یافته و با کاهش نرخ بهره مقدار پس‌انداز کم می‌شود. زمانی که عرضه پس‌انداز با تقاضای سرمایه‌گذاری برابر شود، نرخ بهره تعادلی به دست می‌آید. جان مینارد کینز در نظریه تعیین درآمد، تعیین نرخ بهره تعادلی را براساس برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ندانسته و می‌گوید: عرضه و تقاضا برای پول، نرخ بهره را تعیین می‌کند. وی بهره را به عنوان پرداخت برای عدم نقدینگی، مورد توجه قرار داده است. ساختار زمانی نرخ بهره عبارت است از رابطه میان نرخ بهره

پرداختی بر یک قرضه و تعداد سال‌هایی که بعد از اتمام آن، فرد می‌تواند قرضه را بفروشد. با فرض نگاهداری اوراق قرضه برای یک یا دو سال، اگر افرادی بخواهند برای دو سال سرمایه‌گذاری کنند، می‌توانند اوراق قرضه دو ساله خریداری کنند؛ یا در مرحله اول اقدام به خرید اوراق قرضه یک ساله کرده و سپس در شروع سال بعد دوباره این عمل را تکرار کنند. در اینجا نرخ بهره، مهم‌ترین عامل مؤثر در تصمیمات افراد است. اگر افراد، انتظار افزایش نرخ بهره در آینده را داشته باشند، اوراق قرضه یکساله را انتخاب می‌کنند. در حالت عکس، اگر نرخ بهره اوراق قرضه دوساله، بیشتر از اوراق قرضه یکساله باشد، خریدار اوراق قرضه دوساله را ترجیح خواهد داد.

از نظر اقتصاددانان کلاسیک، بهره توسط عرضه و تقاضا برای پسانداز تعیین می‌شود. تقاضا برای پسانداز یا سرمایه‌گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. وقتی نرخ بهره بالا رود؛ در شرایط برابر مقدار مورد تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره، مقدار مزبور افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، فرض می‌شود که پسانداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ بدین معنی که با افزایش نرخ بهره حجم پسانداز افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره مقدار پسانداز کاهش می‌یابد. نرخ بهره وقتی عرضه پسانداز با تقاضای سرمایه‌گذاری برابر شود در حالت تعادل خواهد بود. نظریه پسانداز و سرمایه‌گذاری کلاسیک، نظریه تعیین نرخ بهره است؛ برخلاف نظریه پسانداز و سرمایه‌گذاری کینز که نظریه تعیین درآمد ملی است. پسانداز و سرمایه‌گذاری در مدل کلاسیکی هر دو در نرخ بهره متعادل در وضعیت تعادل هستند و درآمد ملی هیچ ارتباطی با این مکانیسم متعادل‌کننده ندارند. در واقع فرض شده است که درآمد ملی در حد اشتغال کامل، ثابت است. از آنجا که اقتصاددانان کلاسیک به آینده اقتصاد خوشبینند به تقاضای نقدینگی پول اعتقاد ندارند و بدین ترتیب فرض می‌کنند که پسانداز‌کنندگان، پساندازهای خود را در راههایی به کار می‌برند که از آن بهره به صورت درآمد کسب گردد و نه اینکه به شکل غیر فعال نگهداری نمایند. نتیجتاً پسانداز همیشه در دسترس بخش تولیدی برای مقاصد سرمایه‌گذاری قرار دارد. تا هنگامی که سطح درآمد ملی ثابت فرض می‌شود، روابط متقابل بین پسانداز و سرمایه‌گذاری بر حسب کلاسیک، بر سطح کلی تولید اثری ندارد؛ بلکه بر ترکیب تولید تأثیر می‌گذارد.

بهره بانکی یا بهره سرمایه در اقتصاد جدید یک پدیدار صرفاً پولی نیست، بلکه متغیری است وابسته به کمیابی سرمایه (پسانداز). «کینز» در دوران معاصر مسئولیت‌بزرگی در دامن زدن به این شبکه داشته که گویا بهره، متغیری صرفاً پولی است؛ به طوری که با افزایش حجم آن می‌توان نرخ بهره را پایین آورده حتی آن را نهایتاً صفر نمود. همچنان که خواهیم دید شبکه «کینز» دامن برخی از محققان متاخر اسلامی را گرفته و آنها را وادر به ارزیابی‌های نادرست نموده است. در یک اقتصاد گسترشده بازار، نرخ بهره نقش کلیدی و مهم پیوند و تنظیم رابطه میان پسانداز و سرمایه‌گذاری را

بر عهده دارد. نرخ بهره واقعی که مستقل از اراده فردی و حتی دولتی، توسط مکانیسم بازار معین می‌شود، در حقیقت گویای کمیابی پس انداز از یک سو و بازدهی نهایی (مارژینال) سرمایه از سوی دیگر است. کارکرد اصلی بهره در یک سیستم بانکداری عبارت است از هدایت پس انداز، به ویژه پس اندازهای متوسط و کوچک، به سوی سرمایه‌گذاری. پس انداز کننده با امساك از مصرف آنی، امکان تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد و نتیجه سرمایه‌گذاری عبارت است از بالا رفتن بازدهی تولید در آینده. یعنی امساك از مصرف آنی (پس انداز) موجب افزایش محصولات تولیدی در آینده می‌شود، و پس انداز کننده به خاطر این که طی یک مدت زمانی، خود را از مصرف محروم کرده، یعنی هزینه فرستی را از جهت مصرف متحمل شده است، بخشی از بازدهی اضافی تولید در آینده را به صورت بهره دریافت می‌دارد. در این چارچوب، بهره حقی است که از مشارکت در بالا بردن توان تولیدی ناشی می‌شود. بدیهی است که در یک اقتصاد سنتی معیشتی که عملاً پس اندازهای متوسط و کوچک وجود ندارند و اساساً تولید مبتنی بر سرمایه‌گذاری نیست، تصور چنین سیستمی غیر ممکن است. بنابراین به صرف شباهت ظاهری، نمی‌توان بهره بانکی را، که امکان تحقیق آن در جوامع سنتی معیشتی ممتنع است، با «ربا» در این جوامع یکسان تلقی نمود. در نظام جدید اقتصادی دو نوع نرخ بهره را می‌توان از هم متمایز کرد، یکی نرخ بهره واقعی و دیگری نرخ بهره اسمی. نرخ بهره واقعی به لحاظ نظری، از یک سو نمایانگر میل نهایی (مارژینال) به پس انداز و از سوی دیگر بازدهی نهایی (مارژینال) سرمایه است، یعنی در نظام بازار نرخ بهره، جایی معین می‌شود که هزینه نهایی امساك از مصرف میل نهایی به پس انداز با نفع نهایی ناشی از سرمایه‌گذاری برابر گردد. نرخ بهره، مانند سایر قیمتها در سیستم بازار، به هیچ وجه از قبل به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست و تحت تاثیر عوامل مؤثر بر بازار، که غیر قابل پیش‌بینی‌اند، تغییر می‌یابد. اما نرخ بهره اسمی (پولی)، متغیری است که توسط میزان عرضه و تقاضای پول اسمی معین می‌گردد. با وجود این که عرضه پول اسمی توسط مقامات پولی (بانک مرکزی یا دولت) قابل کنترل است، اما در هر صورت تقاضا برای پول اساساً متاثر از متغیرهای واقعی اقتصادی، مانند میزان بازدهی سرمایه‌گذاریهای است، و توسط هیچ مرجع قدرتی قابل کنترل نیست. بنابراین در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، حتی نرخ بهره اسمی را هم نمی‌توان از قبل برای درازمدت دقیقاً معین نمود. این سخن تنافضی با این واقعیت ندارد که در کوتاه‌مدت، مقامات پولی و دولتی، با سیاستهای پولی و مالی نرخ بهره بازار را در جهت افزایش یا کاهش سوق دهند؛ اما در هر صورت این متغیرهای واقعی اقتصادی هستند که از طریق مکانیسم بازار، انحرافات شدید از نرخ بهره واقعی را نهایتاً تصحیح می‌کنند.

در میان اقتصاددانان معروف معاصر، «کینز» شاید از محدود کسانی است که نرخ بهره را همانند متغیران قدیمی، متغیری صرفاً پولی می‌داند و نه سرمایه‌ای، و از این زاویه اقتصاددانان نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار می‌دهد. کینز با صراحة نرخ بهره را قیمت پول، یا به سخن خود وی «ایجاد‌کننده تعادل بین عرضه و تقاضای وام‌های پولی»، تلقی می‌کند. او برخلاف اقتصاددانان نئوکلاسیک (مارشال)، نرخ بهره را با بازدهی نهایی سرمایه توضیح نمی‌دهد بلکه بر عکس، بازدهی نهایی سرمایه و سطح سرمایه‌گذاری را تابعی از نرخ بهره می‌داند. بدین لحاظ بهترین سیاست اقتصادی از دیدگاه وی عبارت است از «پایین آوردن نرخ بهره نسبت به منحنی بازدهی سرمایه، به طوری که با افزایش سرمایه‌گذاریها وضعیت اشتغال کامل تحقق یابد.» به عقیده کینز با پایین آوردن نرخ بهره، از طریق افزایش عرضه پول، می‌توان موجب گسترش سرمایه‌گذاریها و در نتیجه افزایش تجهیزات سرمایه‌ای گردید. افزودن بر حجم تجهیزات سرمایه‌ای، به نظر وی یک پیشنهاد عملی است که هدف آن از میان برداشتن کمیابی سرمایه و، در نتیجه، تعلق گرفتن پاداش (بهره) به سرمایه‌دار غیرفعال است. نکته مهم دیگری که کینز و طرفداران حذف بهره سرمایه، در قضاوت-های ارزشی و اخلاقی خود مورد غفلت قرار می‌دهند، این است که اگر در دوران قبل از سرمایه‌داری رباخواران عمدتاً ثروتمندان و صاحبان اندوخته‌های پولی بودند که با وام دادن به افراد عموماً بی‌چیز و یا در تنگنا، با مطالبه نرخ‌های بالای بهره آنها را مورد ستم قرار می‌دادند، در نظام‌های اقتصادی جدید، دریافت‌کنندگان بهره سرمایه عمدتاً صاحبان پساندازهای کوچک و متوسط هستند نه صاحبان سرمایه‌های بزرگ و «غیرفعال». همچنان که یکی از اقتصاددانان بزرگ معاصر می‌نویسد، در دوران باستان، «زمان آتنی‌های سولون، قوانین ارضی قدیمی رم و قرون وسطی، وام‌دهندگان عموماً ثروتمندان بودند و وام‌گیرندگان بی‌چیزها. اما [امروزه] در عصر اوراق قرضه، بانکهای رهنی، بانکهای پسانداز، صندوقهای بیمه‌های اجتماعی، وام‌دهندگان بیشتر عبارتند از: اکثریت آحاد مردم با درآمد متوسط. از سوی دیگر ثروتمندان به عنوان دارندگان سهام شرکتها، کارخانه‌ها، مزرعه‌ها و املاک مسکونی، اغلب وام‌گیرنده هستند تا وام‌دهنده.

منابع

۱. ابوالحسنی هستیانی، علی اصغر، بیابانی، جهانگیر، اثنی عشری امیری، ابوالقاسم و کهنل، محمد (۱۳۹۱). چیستی پول در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۸)، ۷۷-۱۰۶.
۲. ایزدی، حمیدرضا و دهمردی، نظر (۱۳۹۱). رابطه‌ی بین عملکرد سیاست‌های پولی و مالی و ثبات تابع تقاضای پول و پیش‌بینی این تابع در ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی*، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۹۰.
۳. بخشی دستجردی، رسول، حسینی، سید عقیل، محمدی، مهدی و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۳). نقدی بر توجیهات معاصر پیرامون تفاوت بهره طبیعی از ربا در نگاه اندیشمندان اقتصاد اسلامی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۱۱(۱)، ۸۰-۴۹.
۴. بنی اسدی، ایوب و عابدینی، بیژن (۱۳۹۵). بررسی و اثربخشی نقش پول در اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۳(۷).
۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، تهران: نشر توانگران، چاپ اول.
۶. توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریان برخی از اندیشه و روان اسلامی در باره ماهیت پول. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۵(۱۹)، ۱۵۹-۱۲۳.
۷. سبحانی، حسن و قائمی نیا، علی اصغر (۱۳۹۵). پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره). *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۳)، ۸۹-۶۹.
۸. جمشیدی، لیلا (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی بدون ربا موانع چالش‌ها. دومین کنفرانس ملی حسابداری-مدیریت اقتصاد با رویکرد اشتغال پایدار نقش آن در رشد صنعت.
۹. داودی، پرویز، میرجلیلی، سید حسین و نظری، حسن (۱۳۹۰). پول در اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۱۰. داودی، پرویز و صمصامی، حسین (۱۳۸۷). اقتصاد پول و بانکداری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۱۱. زاهدی وفا، محمد هادی و پیغماری، عادل (۱۳۸۸). پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲(۱)، ۳۷-۵.
۱۲. رهبر، مهدی و خطیبی، منیره (۱۳۹۶). ماهیت پول از منظر فقه اسلامی. *دوفصلنامه فقه مقارن*، ۵(۹)، ۳۹-۵.
۱۳. عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۸(۲۹)، ۶۱-۳۵.

۱۴. شاکری، عباس (۱۳۹۵). اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها، انتشارات پارس نویسا، چاپ ششم.
۱۵. کمیجانی، اکبر، ابریشمی، حمید و روحانی، سید علی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۲۹(۱۵)، ۳۸-۹.
۱۶. موسائی، میثم (۱۳۸۳). ربا و کاهش ارزش پول، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
۱۷. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). نظریه‌های ربا و بهره. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۷)، ۱۰۰-۶۷.
۱۸. میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سیاست پولی متعارف در مقابل نامتعارف. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۳(۲)، ۱۲۵-۱۱۱.
۱۹. مجاهدی موخر، محمد مهدی، دلالی اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید و بخشی، رسول (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۱(۶۵)، ۲۳۰-۲۰۱.
۲۰. میرجلیلی، سیدحسین و نظری، حسن آقا (۱۳۷۳). پول در اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۱. نظری، حسن آقا و میرجلیلی، سیدحسین و داوودی، پرویز (۱۳۹۰). پول در اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۲. واعظ برزانی، محمد و ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۰). تحلیل نقش نرخ بهره پولی در بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه داری: رویکرد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۴)، ۷۷-۱۰۶.
۲۳. هاشمی شاهروdi، سید محمود (۱۳۷۴). احکام فقهی کاهش ارزش پول. *مجله فقه اهل بیت عليه‌هم السلام*، ۱(۲).
24. Friedman, M. (1956). the Quantity Theory of Money: A Restatement; in M. Friedman (Ed), *Studies in the Quantity Theory of Money*, Chicago: The University Chicago Press.
25. Fletcher G.A. (1989). A Monetary Theory of the Rate of Interest. In: The Keynesian Revolution and its Critics. *Keynesian Studies*. Palgrave Macmillan, London.
26. Fontana, J. (2011). The Role of Money and Interest Rates in The Theory of Monetary Policy: an Attempt at Perspective. *History of Economic Ideas*, 19(3), 113-134.

27. Abel, I. & Lehmann, K. (2020). Real and Monetary Theories of the Interest Rate. *International Journal of Political Economy*, 48(4), 353-363.
28. Tobin, J. (1961). Papers and Proceedings of the Seventy - Third Annual Meeting of the American Economic Association. *the American Economic Review*, 51(2).
29. Ahiakpor, J.C.W. (1999). Wicksell on the Classical Theories of Money, Credit, Interest and the Price Level. *American Journal of Economics and Sociology*, 58(3), 435-457.
30. Peter, B. & Mathias, R. (2017). Excess saving and low interest rates: Assessing theory and evidence from the Global Crisis, Research-based policy analysis and commentary from leading economists.
31. Liuyan Zhao (2017). The behavior of money demand in the Chinese hyperinflation. *China Economic Review*, 42(c), 145-154.

